

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد محق

۲۳ جنوری ۲۰۲۳



محمد محق

طالبان، مولوی عبدالحمید و زلمی خلیلزاد

گفته می‌شود که زلمی خلیلزاد از طالبان خواسته تا به سخنان مولوی عبدالحمید در مورد آموزش دختران گوش دهند. آقای خلیلزاد در مذاکرات دوحه در کنار ملا برادر با خنده‌های صمیمانه، عکس‌های برادرانه می‌گرفت و این خوشی‌ها را از دید رسانه‌ها پنهان نمی‌کرد. او در آن روزها با خوش‌بینی زایدالوصفی به واشنگتن و دیگر مراکز تصمیم‌ساز دنیای غرب پیام می‌فرستاد که طالبان امروز، طالبان ۲۰ سال پیش نیستند و هرچند سربازان و کارمندان دولت افغانستان را سیل‌آسا می‌کشند، اما به سربازان امریکائی احترام ویژه‌ای دارند! و از این احترام ویژه نتیجه می‌گرفت که احتمالاً به زنان افغانستان نیز احترام ناویژه‌ای خواهند داشت. مذاکره‌کنندگان چشم خود را بر کشتارها بسته بودند، اما احتمال اجازه یافتن زنان برای آموزش را راهی به توجیه مذاکرات و کمک‌های پس از آن به این ماشین کشتار می‌شمردند. این از موضع هیأت امریکائی در آن روزها.

در طرف دیگر، گروه‌های بنیادگرا مانند القاعده، اخوان المسلمین، حزب التحریر و حلقات محافظه‌کار در ایران، پاکستان، مالیزیا، اندونیزیا، ترکیه و جهان عرب، به شمول چهره‌های مشهوری مانند مولوی عبدالحمید، که به ظاهر مخالف امریکا و سیاست‌هایش هستند، همان راهی را در حمایت از طالبان و زیانمائی‌شان در پیش گرفته بودند که هیأت امریکائی می‌پیمود. مردم افغانستان که زیر ساطور طالبان قطعه‌قطعه می‌شدند، در مانده بودند که چه رازی در این هموائی میان امریکائیان و بنیادگرایان نهفته است و چرا همه آنان از این خوش‌حالند که طالبان از ریختن خون سربازان امریکائی دست کشیده‌اند، ولی برای‌شان مهم نیست که بر ریختن خون سربازان افغان چندین برابر افزوده‌اند! این معما تا اکنون نیز حل نشده است.

زلمی خلیلزاد به‌تازگی از طالبان خواسته است تا به سخنان مولوی عبدالحمید در مورد آموزش زنان گوش دهند. عربستان سعودی نیز از مدرسه حقایق که پرورشگاه عمده طالبان و تروریست‌ها در چند دهه اخیر بوده، خواهش کرده است تا برای اجازه یافتن زنان به آموزش با طالبان وارد مذاکره شود. همه کسانی که با طالبان همدلی دارند، از امریکا

تا جهان عرب، از ایران تا پاکستان و از مالیزیا تا اندونزی، دست به دعا برداشته‌اند که دل طالبان نرم شود و خواهش و التماس آنان در مورد آموزش زنان به جایی برسد. هیأت ملل متحد نیز که روزانه شاهد سرکوب مردم افغانستان و اسارت میلیون‌ها آدم در چنگ دستگاهی استبدادی و سرکوبگر است، همان سازی را می‌نوازد که دیگران می‌نوازند، امید به گشایش مکاتب دختران و بس.

پرسشی که مردم افغانستان دارند این است که آیا عملکرد امروز طالبان، دیروز قابل پیش‌بینی نبود؟ آیا از یک گروه تروریستی که تمام کارنامه‌اش را انفجار و انتحار تشکیل می‌دهد چیزی غیر از این توقع وجود داشت؟ چرا مولوی عبدالحمید و خلیل‌زاد و دیگران به مردم نوید می‌دادند که طالبان تغییر کرده‌اند؟ چرا سپاه پاسداران در ایران و هیأت امریکائی در دوحه، مثل اعضای یک ارکستر به نواختن یک آهنگ روی آورده بودند؟ چرا تاکنون شلاق و شکنجه روزانه طالبان و تبدیل افغانستان به زندانی چند میلیونی برای کسی اهمیت ندارد؟

شاید تمنیات نیک آقای خلیل‌زاد، توصیه‌های مولوی عبدالحمید، نصایح مدرسه حقانیه و مشوره‌های سایر بنیادگرایان برای موافقت با آموزش زنان روزی نتیجه بدهد، اما مردم افغانستان تا رسیدن به آزادی و کسب حقوق انسانی خود راه پرستگلاخی در پیش دارند که در آن نه خلیل‌زاد همراهی‌شان می‌کند و نه مولوی عبدالحمید. مردم افغانستان باید خود راهی برای تغییر سرنوشت خویش پیدا کنند؛ زیرا به گفته عقیف باختری: "درد هر کس به خودش مربوط است!"